سوانح آن خدمت مسجد پیدا میشود مادر مریم را نظنه آن بود که پسر زاید چون دختر آمد بطریق اعتذار در آمد که خدایا دختر زادم و تو بدان دانا تری وَلَیْسَ الذَّكَرُ و نیست فرزندی نرکه من طلب کردم برای خدمت مسجد کَالْأُنْثَىٰ همچون فرزند ماده که من زاده ام
چه این شایستگی تحریر ندارد و از جهت لزوم حجاب عوارض که اوست و احتیاج بحفظ و حراست وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ و بدرستی که
من نام نهادم او را مریم و معنی این لفظ بزبان ایشان امة الله است یعنی کنیز خدای گویند خادم واضح آنست که عابده معنی او
من او را پرستنده نام کردم تا فعل مطابق اسم باشد وَإِنِّي أُعِيذُهَا و بدرستی که من در پناه می آرم او را بِكَ بحضرت تو
وَذُرِّيَّتَهَا و فرزندان او را مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ از اغوای دیو سرکش رانده شده از منازل قرب یا آن مسبوق از شیطان رجیم
فرزند و ذریت او ببرکت دعا حنه بروزگار مریم و عیسی رسید و از مس شیطان الرجیم و پسر او که از بغصورت محروس بود
در تفسیر ثعلبی آمده که چون عیسی ع متولد شد ابلیس و یوانی را که اعوان او بودند جمع کرده باتفاق آمدند که عیسی المسوح خود کرد او شیاطین
اما انگه بواسطه ملکه کرد اکر دعا و دیر پسر از گرفته بودند فرصت مساس نیافتند و جانب و خاسر بازگشت شد فَتَقَبَّلَهَا پس از
پذیرفت مریم را رَبُّهَا پروردگار او پسندید از برای تجویز بجای آن محرر که حنه نذر کرده بود بِقَبُولٍ حَسَنٍ به پذیرفتن و پسندیدن
نیکو جهت خدمت خانه و حال آنکه شرع تجویز ذکور بود و دون اناث چه ذکور بر دوام استمرار خدمت است بخلاف اناث
که سوانع خدمت مسجد دارند و دیگر رجال قوی ترند از نسا در کشیدن بار محنت و مذکر را عیبی لاحق نشود در اختلاط با مردم و تهمتی که
اناث است ذکور را نیست و با این همه خدای تعالی وی را بتحریر قبول کرد و هیچ زن دیگر را این دولت روی ننمود و قشیری گوید
قبول حسن تولی حق تعالی است امر او را بر وجهی که عالمیان در آن متعجب شدند و چون در باب تفعل تکلفی هست و اعظم قبول را
بتقبل حیثیت اختیار کرد وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا و برستنی نیکو انبات تا نگفت زیرا که غرض عوده سنت بر مریم نه بانبات و نبات حسن اشارت است
بتربیتی نیکو که مصلح او بود در جمیع احوال و هر آینه نباتی که ثمره آن روح الله باشد احسن نباتها خواهد بود و در اکثر تفاسیر هست
که مریم در روزی چندان ببالیدی که مولدی در سالی بیت چو ماه نو که باروی شب افروز بود زاینده و نورش در نتار روز
و گفته اند حسن عصمتی بود از شیطان یا اقامت در مقام مذکری در صلاحیت تحریر با پرورش یافتن بر صلاح و پیدا او
و طاعت تا در خبر آمده که چون سالین نه ساگی رسید بفیض فضل لایزالی در صیام ایام و قیام لیالی بر همه احبار غالب شد و گویند
مراد از انبات بنبات حسن تخلق او بود با خلاق ربانی یا استقامت در طاعت یا اختیار کردن رضای سبحانی بر هوای
نفسانی و در لطایف قشیری آمده که علامت قبول حسن و نشانه انبات حسن همین بس که پیغمبری بزرگوار چون زکریا ع بکفالت
وی مفتخر و شد و صورت این قضیه بران منوال بوده که چون مریم بتول متولد شد حنه فی الحال او را در خرقه پیچیده برداشت و بحوالی
بیت المقدس آمده و سدنه و احبار را گفت دونکم هذه النذیرة فرا گیرید این نذر کرده شده را که از آن خدا است اهل بیت المقدس
بقبول وی رغبت کردند جهت ادای حقوق وی که خطیب و امام ایشان بود یا بجهت طلب ثواب آخرت پس از آن گروهی
که رئیس ایشان بود و خدای را با اهل شام برسالت فرستاده خواست که او را پذیرد گفت ای مجاوران حرم محترم این کودک

دختر عم

دختر عم منست و خواهر او در خانه من به پرورش او سزاوارترم احبار گفتند اگر او بتربیت خویشان بازبایستی که هشت کس از او
با سزاوارترم بودی بلکه ما قرعه میزنیم تا بنام هر که فال سعادت برآید تربیت این کودک مستعد گردد پس بیست و هفت تن یا بیست و نه تن
از احبار و علما که مجاور بیت المقدس بودند قلمها که بدان کتابت توریت کردندی برداشته بکنار نهر اردن آمدند و قلمها را که نوشته
در جوی آب افکندند بشرط آنکه قلم هر که بر سر آب بایستد پرورش مریم بدو متعلق بود همه قلمها زیر آب فرو رفت و قلم زکریا بر روی آب
بایستاد و برخی مفسران بعکس این گفته اند و بر هر تقدیر قرعه آن دولت بنام زکریا برآمد بیت کشادم فال حال عشق در زیدن
حوالت شد خوشم کین قرعه دولت بنام من برون آمد پس زکریا او را در حجر تربیت خود آورد چنانچه حق تعالی فرمود وَكَفَّلَهَا
زَكَرِيَّا فرا سپرد حق تعالی مریم را بزکریا و اگر بتخفیف خوانند معنی چنین بود و فرا پذیرفت او را زکریا بلفظ زکریا بقصر و زکریا
با تشدید را یا افصح لغات اوست و بمد و قصر آمده و معنی این لفظ بعبرانی دایم الذکر است پس چون کفالت مریم بزکریا قرار گرفت
او را بخانه خود برد و جهت ارضاع او دایه مقرر فرمود و چون از حد طفولیت در گذشت او را بمسجد آورد و تولی آنست که از اول حال او را
ملازم مسجد گردانید و بر هر تقدیر غرفه در بیت المقدس برای او ترتیب داد که جز بنردبان صعود بر آن میسر نبودی و چون زکریا از تعهد
حال او فارغ شدی در غرفه بقفلی محکم بسته کلید با خود داشتی و بر هیچکس در باب او ایمن نبودی و آنچه غایت محافظت و نهایت
احتیاط و حراست باشد در باره او بغایت میفرمود تا وقتی که بزرگ شد و تورایت از وی در آموخت القصه در اثنای این
تفقدات و تعهدات ارقام ولایت از صفحات حالات مریم لایح میشد و آثار کرامت بر او جنات اوقات او مشاهده میکرد چه
كُلَّمَا دَخَلَ هر گاه که در آمد عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ بر مریم زکریا بغرفه و منظری که وی آنجا بسر میبرد محراب در لغت جای بلند باشد
قال الله تعالی اذ تسوروا المحراب یا اشرف مجالس و آن جای نشست مریم بود حاصل کلام آنکه هر وقت زکریا بخانه مریم آمدی وَجَدَ
عِنْدَهَا یافت نزدیک او رِزْقًا روزی و چه روزی تنکیر رزقا دلالت بر تعظیم حال رزق دارد و گفته اند میوه تابستان
بود که در میان زمستان در خانه میدید یا میوه زمستان بود که در فصل تابستان در منزل او حاضر یافت چند نوبت که این مشاهده
دید قَالَ گفت زکریا يَا مَرْيَمُ ای پرستنده خدای أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَا از کجاست مر ترا این میوه بر سبیل تعجب سوال کرد
زیرا که در بسته میدید و بیقین میدانست که غیر او کسی بکفایت مهمات او قیام نمینماید و چون زکریا کیفیت آن حال استفسار کرد قَالَتْ
گفت مریم هُوَ این رزق که می بینی مِنْ عِنْدِ اللَّهِ از نزدیک خداست آورده اند که جبرئیل از بهشت بدو می آورد و میوه ها
که در غیر وقت نزد مریم ظاهر شدی جهت نفی تهمت بودی یعنی در خاطر زکریا غیر او خطور نکردی که کسی از اهل آن دیار متعهد حال او است
و حصول انجیر تازه در زمستان و خرمای تر در غیر وقتش معتقد در بشریت و آن نبود جز کرامت مریم و یکی از مستدل اهل سنت
و جماعت در اثبات کرامت اولیا این آیت و نشاید که کسی حمل بر معجزه زکریا کند چه اگر معجزه وی بودی آن سوال از او نبودی و اگر از وی
امتحان پرسیدی بایستی که مریم در جواب گفتی هو من معجزاتک مریم گفت هو من عند الله إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ بدرستی که خدای
روزی میدهد مَنْ يَشَاءُ هر کرا میخواهد از خزانه غیب بِغَيْرِ حِسَابٍ بیشمار از جهت کثرت یا بغیر استحقاق مرزوق بلکه از محض

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)